



مؤلفه های ملت شدن و مبارزات ملی

سید عبدالکریم هاشمی

=====

ملی گرایی تفکر است که در آن منافع بنیادی و حیاتی مردم یک سرزمین تجلی می یابد. ملی گرایی یک داعیه یا یک حرکت سیاسی- اجتماعی شور آفرین و انگیزه بخش می باشد. این داعیه در واقع آرمانها، اهداف، مطالبات، تاریخ، هویت، تفکر، منافع و فرهنگ یک ملت را ترجمانی میکند و پررنگ تر عنوان میشود. این داعیه همه بی عناصر را پیوست با هم و روشن بیان میدارد، طوریکه باهم همخوانی منطقی داشته باشد. احساس مردم با صداقت تمام تفسیر میشود به همین دلیل قابل درک و پذیرش می باشد. جنبش ملی، زاده تفکر ملی یا ملی گراییست که به سرعت میتواند احاد مردم را بسیج و به یک لشکر آزادیخواه تغییر حالت دهد. این حرکت پر شور ملی، مردم را بسوی آزادی و احیا مجدد تمدن و متحقق ساختن توسعه ملی آن سرزمین بکارمیاندازد.

با آگاهی بخشیدن به عامه مردم و سمت دهی اندیشه و احساس شان آنان به تحرک می افتند. تعمیم آگاهی ملی، ارائه اهداف و اولویتها، بهره گیری از فرهنگ تحرک بخش محلی، مردم نا امید و هویت باخته را احساس مسئولیت میدهد و تعهدات شان را بازگو میکند و به تحرک وامی دارد. با اجرای آگاهی دهی مردم به سهولت فکتورهای ملت شدن و التزام به آن را پیدا کنند. مردم با بیرون شدن از حیطه حکومت های قریه، قوم و عصبیتهای نا بود کننده، آگاهانه بطرف ملت شدن سیر میکنند و مردم با درک مسئولیتهای جمعی، عامه و ملی که یکی از ملزومه های ملت بودن است برای ملت شدن مشتاقانه میشتابند.

- در کشور ما دیانت اسلام به مثابه زیر بنای فرهنگی ما و عامل پیوند دهنده تمام گروههای قومی یکی از مؤلفه های اثر گذار وحدت ملی و روند ملت شدن محاسبه میگردد.

- فرهنگ محلی ما مملو از ارزش های وحدت آفرین است. عناصر پیوند دهنده در فرهنگ محلی و ملی ما در واقع گهرگران بهایست که پنهان باقی مانده و باید منورین این ارزش های اجتماعی- فرهنگی را احیا و برای اعمار خانه عامه ملت بکار گیریم.

- در راه ملت شدن در کشور کثیر القومی ما، نباید برتری جویی های قریه و قوم را معیار قرار دهیم. اینها شاخص های بنیادی ملت شدن نیستند، بقا مردم و سرزمین، حیات انسانها و قدرت مند بودن کشور اینجا به محاسبه گرفته میشود و اینها ارزشهایی اند که حیات و رفاه مردم را ضمانت میکنند. برنامه های توسعه ملی، عدالت اجتماعی و استراتژی فرهنگی به درخواست های دیگر پاسخ میدهد.

- آگاهی دادن مأموریت حیاتی برای روند ملت شدن است. آگاهی فرهنگ ملت شدن را خلق میکند، پیوند های روانی و فکری را برای همگرایی مهندسی میکند و در واقع هویت ملی را میسازد. از این مسیر مفهوم سرزمین واحد، سمبولهای واحد و ملت واحد را مردم درک میکنند. زنده گی قبیلوی بسته و متعصب را به زنده گی مدنی و گروههای متشنت اجتماعی را در شمایل یک ملت واحد معرفی میدارد. با درک عمیق این شاخصها، معیارهای گروهی و بدوی و انتیکی دگرگون میشوند. مردم به کتله بزرگ اجتماعی دارای میزات مشترک، منافع مشترک، مطالبات مشترک، سرزمین و جغرافیای مشترک میرسند، در نهایت به آرمان ملت واحد میرسند. همگرایی و هم پذیری قدرتمند در بین گروههای

قومی، طبقاتی و صنفی جامعه ارزش شهروندی را احیا و آنرا زیر بنای تامین حقوق شهروندان میسازد

- حالا ما میتوانیم با یک مثنی ملی گرایی خود جوش افغانی راه همگرایی خود را بیابیم، راه تفاهم و وحدت. جمع آمد نیرو ها و شخصیت های سیاسی و رسیدن به یک اجماع بین الافغانی در هر مقیاسی که باشد، در واقع در این برهه حیات سیاسی - اجتماعی ما این عمل حرکتی به استقامت وحدت ملی و روند ملت شدن ما تلقی میگردد. ایجاد چتر بزرگ ملی تمرین اساسی وحدت است که میتواند قدرت و توان مردم را برای تقویت مبارزه آزادیبخش ملی چند برابر سازد. این تنها روزنه امید مردم و راه منطقی است که باید انتخاب کنیم.

